

معلم دوره متوسطه دخترانه و پسرانه در ایرانشهر سیستان و بلوچستان می‌گوید بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ به آموزش و پرورش یک نگاه انقلابی و پرورشی شد و گفتند باید در آزمون فرهنگیان ۲۵ درصد نمره به فرآیند گزینش و مصاحبه اختصاص داده شود.

دانش‌آموز دبیرستانی جدول ضرب بلد نیست!



اواخر تیرماه امسال، تصویری از نمرات امتحان نهایی دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که نشان می‌داد بالاترین میانگین نمرات نهایی مربوط به استان یزد با ۱۲/۴ و پایین‌ترین مربوط به سیستان و بلوچستان با ۷/۷۴ است. میانگین معدل تهران ۱۰/۶۷، خراسان جنوبی ۱۱/۸۱، گلستان ۹/۶۵، خراسان شمالی ۹/۸۲، کرمان ۹/۴۴، بوشهر ۹/۴۹، قزوین ۱۰/۸۹، خراسان رضوی ۱۱/۲۷، قم ۱۱/۲۷، اصفهان ۱۱/۴۳، سمنان ۱۱/۶۲، همدان ۱۰/۲۳، هرمزگان ۸/۷۶ و... بود.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه هم میهن در گزارشی نوشته است:

تمام استان‌ها وضعیت بسیار نامناسبی داشتند. چند روزی از انتشار این نمرات نگذشته بود که آمار رسمی‌تری اعلام شد. اوایل مردادماه گزارشی روی سایت‌های خبری قرار گرفت که حکایت از وضعیت بسیار نابسامان تحصیلی داشت؛ گزارشی که نمرات سال گذشته دانش‌آموزان را با سال‌های قبل از آن مقایسه کرده بود و نشان می‌داد تمام استان‌ها با افت تحصیلی بسیار شدیدی مواجه‌اند برای نمونه در استان خراسان جنوبی معدل دانش‌آموزان از حدود ۱۴/۵ به ۱۱/۸ در سال تحصیلی ۱۴۰۲ رسیده بود. در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، لرستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، گیلان، گلستان، خراسان شمالی و خوزستان، میانگین نمرات امتحان نهایی برای تمام رشته‌های نظری زیر ۱۰ است با این‌همه اما در آخرین روزهای مردادماه، رئیس مرکز سنجش و ارزیابی کیفیت آموزش و پرورش اعلام کرد که میانگین معدل دانش‌آموزان پایه دوازدهم در چهار رشته بالا رفته است. محسن زارعی گفت که در رشته علوم تجربی، میانگین معدل دانش‌آموزان از ۱۱/۲۳ سال گذشته به ۱۲ رسیده، در رشته ریاضی فیزیک از ۱۰/۷۹ به ۱۱/۸۲ و در علوم انسانی از ۸/۷۵ به ۹/۱۳ رسیده است.

معدل میانگین در مجموع سه رشته، از ۱۰/۲۳ به ۱۰/۸۹ رسیده و ۵۵ صدم در مجموع سه رشته ارتقای نمره صورت گرفته است. به گفته او، در رشته تجربی عملکرد میانگین نمرات پایه دهم ۱۲/۶۴، پایه یازدهم ۱۲/۵۴ و پایه دوازدهم ۱۲ است. در رشته ریاضی فیزیک عملکرد میانگین نمرات پایه دهم ۱۲/۶۹، در رشته یازدهم ۱۱/۲۶ و در پایه دوازدهم ۱۱/۸۲ است. در رشته انسانی میانگین نمرات پایه دهم ۹/۴۲، پایه یازدهم ۹/۲ و پایه دوازدهم ۹/۳ است. مجموع میانگین معدل در رشته‌های دوره نظری برای پایه دهم ۱۲/۵۸، برای پایه یازدهم ۱۱/۲۷ و برای پایه دوازدهم ۱۱/۴۷ است.

از بین تمام استان‌ها اما سیستان و بلوچستان، شرایط بحرانی‌تری دارد.

دانش‌دادا زهی، معلم دوره متوسطه دخترانه و پسرانه در ایرانشهر سیستان و بلوچستان می‌گوید:

«امکاناتی که در مناطق ما وجود دارد، با سایر مناطق قابل مقایسه نیست. خیلی از مدارس ما به‌ویژه در درس‌های علوم پایه، اصلاً کسی به‌نام دبیر تخصصی ندارند، تمام درس‌های تخصصی مثل زیست و شیمی را معلمی تدریس می‌کند که لیسانس علوم تجربی دارد یا تمام درس‌های تخصصی فیزیک را لیسانسه ریاضی درس می‌دهد، آن هم برای متوسطه اول.» به گفته او، در مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان، بیشتر از معلمان رسمی، سرباز معلمان یا معلمان خرید خدمتی یا معلمان نهضتی دیده می‌شوند که از نظر کیفی، سطح بسیار پایینی دارند. مشکل دانش‌آموزان سیستان و بلوچستان، اما محدود به معلمان

تخصصی نمی‌شود.

به گفته دادا [زهی امکانات مدارس بسیار کم است، دانش‌آموزان به شدت فقیر هستند و نمی‌توانند جزوه‌ها و کتاب‌های کمک‌آموزشی را بخرند، از آن طرف هم سوالات امتحان نهایی بسیار سنگین و سخت هستند و اصلاً در حد کتاب‌ها نیستند، مفهومی‌اند و فراتر از کتاب‌اند. برای گرفتن نمره بالا باید دانش‌آموز در کلاس‌های تقویتی و مکمل شرکت کند اما در این منطقه امکان‌پذیر نیست. در سیستان و بلوچستان به‌ویژه در مناطق روستایی و مرزی، معلم تخصصی ندارند که بتوانند کلاس‌های تقویتی برگزار کنند. به همین دلیل دانش‌آموزان نمی‌توانند نمره خوب بگیرند.

او می‌گوید که در مدارس شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان و خراسان، میانگین معدل ۱۴ است که نشان می‌دهد سطح سوالات بالاتر از کتاب‌هاست:

«اینکه میانگین معدل در سیستان و بلوچستان تا این اندازه پایین است، دلیل اولش همان نبود معلم تخصصی است، بعد از آن هم امکانات آموزشی. در حال حاضر در استان، جز مدارس خاص مثل تیزهوشان، نمونه‌مردمی و... در مدارس عادی به ندرت دانش‌آموزانی پیدا می‌شوند که سواد کافی داشته باشند.»

به گفته او و به نقل از مدیر یکی از مدارس متوسطه دانش‌آموزانی که از پایه ششم به هفتم می‌روند حداقل از هر ۲۰ نفر ۴ تا ۵ نفرشان به هیچ‌عنوان سواد خواندن و نوشتن ندارند؛ یکی از دلایل این مسئله، سیستم ارزشیابی توصیفی است که به درستی اجرا نمی‌شود و دانش‌آموز بدون مردود شدن به مقطع بالاتر می‌رود:

«در سال‌های قبل، میانگین معدل بالای ۱۰ بود و فکر می‌کنم در ایرانشهر روی ده‌ونیم بود.» به گفته او، در حال حاضر میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی هم بیشتر شده، در دوره متوسطه افزایش داشته و در متوسطه دوم به اوج خود می‌رسد. او می‌گوید که دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند بروند شاگردی، بنایی، نجاری و صیادی کنند، اما درس نخوانند. حداقل از آن طریق، ۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان درآمد دارند.

این معلم می‌گوید که استان سیستان و بلوچستان به گفته مسئولان آموزش و پرورش ۱۶ هزار معلم کم دارد، در حالی که امسال در دفترچه کنکور فرهنگیان، استان سیستان و بلوچستان تنها استانی بود که در ۶-۵ رشته تخصصی هیچ سهمیه‌ای برای دبیر تخصصی نداشت. برای درس‌هایی مثل فیزیک، ریاضی و چند درس دیگر، یک سهمیه هم به استان سیستان و بلوچستان ندادند.

این خود یک تبعیض و نابرابری آموزشی سنگینی است.

او درباره کم کردن سهمیه دانشگاه فرهنگیان برای استان سیستان و بلوچستان، چند نکته را توضیح می‌دهد:

«بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ به آموزش و پرورش یک نگاه انقلابی و پرورشی شد و گفتند باید در آزمون فرهنگیان ۲۵ درصد نمره به فرآیند گزینش و مصاحبه اختصاص داده شود. برای نیروهای استخدامی شرایط را سخت‌تر کردند و گفتند، باید ۴۰ درصد نمره علمی باشد و ۶۰ درصد فرآیند مصاحبه و گزینش. همین مسئله انتخاب‌های سلیقه‌ای ایجاد کرد. در کنار همه اینها، محل استقرار فرآیندهای گزینش آموزش و پرورش در شمال استان سیستان و بلوچستان قرار دارد یعنی اهالی سیستان. بسیاری از سیستانی‌ها از نظر مذهبی با مردم بلوچستان متفاوت هستند و گرایش‌های سیاسی‌شان هم فرق می‌کند مثلاً در جنوب استان، ۸۰ درصد مردم به اصلاح‌طلبان رای می‌دهند، اما بخش شمالی خودشان را وابسته به جریان‌های انقلابی می‌دانند و همیشه در گزینش‌ها به این مسئله توجه می‌کنند. دلیل دیگر استخدام نکردن اهالی، برداشتن شرط بومی بودن معلمان است؛ یعنی از تمام کشور می‌توان نیروی معلم استخدام کرد، نه فقط از این استان. استان سیستان و بلوچستان از نظر کیفیت آموزشی به کف جدول رسیده است.»

به گفته او در کنار همه این‌ها برای قبولی در آزمون استخدام، گزینه تاهل و فرزندآوری را به‌عنوان امتیاز برای استخدام در نظر گرفتند، جالب اما اینجاست که وقتی دفترچه آمد، این امتیاز برای کل کشور در نظر گرفته شده بود، جز برای منطقه بلوچستان. یعنی گفته شد که نرخ باروری نباید بالای ۲/۵ باشد و در کل کشور تنها مناطق جنوبی استان سیستان و بلوچستان نرخ باروری‌شان بالای ۲/۵ بود. خیلی راحت می‌توانستند به ما بگویند که از همه استان نیرو استخدام می‌کنیم، جز بلوچستان.

دادا [زهی تاکید می‌کند که دو، سه سال است این اتفاق می‌افتد و مدام هم تکرار می‌شود:

«در استانی مثل خراسان، سهمیه معلم در آزمون فرهنگیان، بالای سه‌هزار نفر است، اما در سیستان و بلوچستان با کمبود بسیار بالای معلم، این سهمیه تنها ۹۰۰ نفر است. در حوزه چابهار روی هم‌رفته تنها ۵۰ معلم اختصاص می‌دهند و از این ۵۰ نفر، با معیارهای سختگیرانه تنها پنج نفر بومی مناطق جنوبی استان پذیرفته می‌شوند و ۴۵ نفر دیگر مربوط به مناطق شمالی استان یا خارج از استان هستند. بررسی‌های ما در سه‌سال مختلف نشان می‌دهد در حوزه کنارک و چابهار، ۳۰۰ نفر سهمیه معلم می‌دهند که از این تعداد، حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر از افراد بومی هستند و ۲۶۰ تا ۲۷۰ نفر از خارج از استان می‌آیند. از این ۲۶۰-۲۷۰ نفر، بیش از ۲۰۰ نفرشان در همان سال اول خدمت، انتقالی می‌گیرند. این‌ها تنها می‌خواهند سهمیه را پر کنند و بعد با فشارهایی که از سوی وزارتخانه، فرمانداری و نمایندگان مجلس وارد می‌شود، هرچه سریع‌تر از استان خارج شوند. همین مسئله سبب شد تا کمبود معلم از ۱۱ هزار نفر به ۱۶ هزار نفر برسد.»

به گفته او، اکنون استان سیستان و بلوچستان با سیل افراد غیربومی مواجه است که منجر می‌شود هر سال دوهزار نفر به کمبود معلم اضافه شود. بنشم شهربورماه امسال، تعدادی از مسئولان سیستان و بلوچستان از وضعیت آموزشی این منطقه انتقاد کردند. یکی از آن‌ها معاون اجتماعی و پیشگیری از جرم دادگستری این استان بود. به گفته او، نرخ بازماندگی و ترک تحصیل در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی ۴۲ هزار و ۸۴۵ نفر، در مقطع متوسطه اول ۳۷ هزار و ۹۵۸ نفر و در مقطع متوسطه دوم ۶۸ هزار و ۶۴ نفر است. براساس اعلام او، ۱۴۸ هزار و ۷۶۹ نفر از کودکان و نوجوانان هفت تا ۱۸ ساله از آموزش همگانی به دلایل گوناگون محرومند که از این تعداد ۸۱ هزار و ۳۲۵ نفر از کودکان و نوجوانان، دختر و ۶۷ هزار و ۴۴۴ نفر نیز دانش‌آموزان پسر هستند. بر این اساس حدود ۱۴ درصد از کودکان و نوجوانان این استان، از آموزش همگانی و تحصیل محرومند و ۲۴ درصدشان هم ترک تحصیل کرده‌اند.

بنا بر اعلام داد[آ]زهی، دانش‌آموزان منطقه سیستان و بلوچستان هجوم وحشتناکی به سمت سازمان فنی و حرفه‌ای و کاردانش کرده‌اند. آن‌ها یا ترک تحصیل می‌کنند یا به سمت این رشته‌ها می‌روند. در کنار اینها، دلیل اصلی ترک تحصیل همچنان فقر و نبود فرصت‌های شغلی است. دانش‌آموزان در بسیاری از مناطق خوابگاه ندارند. دانش‌آموز دوره ابتدایی باید ۱۰-۱۲ کیلومتر را برود تا به یک مدرسه برسد. دانش‌آموز مقطع متوسطه هم تا ۲۰-۳۰ کیلومتری‌اش مدرسه ندارد. او ادامه می‌دهد: «قبلاً دانش‌آموزان به دو دلیل در مدارس می‌ماندند؛ یکی اینکه طرح روستای مرکزی وجود داشت و برای دانش‌آموزان مینی‌بوس در نظر گرفته بودند که رایگان بود. اما چند سالی است که این مینی‌بوس‌ها حذف شده‌اند. ازسوی دیگر با بالا رفتن جمعیت دانش‌آموزی، خوابگاهی برای آن‌ها وجود ندارد. از همه این‌ها گذشته حتی اگر دانش‌آموزی درس خواند، فرصت شغلی ندارد.»

او می‌گوید که برای استخدام به عنوان رفتگر شهرداری، آنقدر درخواست داده بودند که در نهایت یک نفر - آن هم با پارتی‌بازی - قبول شد که تحصیلات این فرد، کارشناسی است:

«فرصت‌های شغلی به خودی خود در این استان کم است، در این استان کارخانه و شرکت‌های متعددی وجود ندارد، یک استخدام دولتی وجود داشت برای آموزش و پرورش در دو سال اخیر که همان را هم از اهالی گرفتند.»

او می‌گوید که ترک تحصیل در دو گروه دختران و پسران بالا رفته هرچند بخشی از ترک تحصیل دختران به دلیل مسائل فرهنگی است؛ چراکه خانواده‌ها نمی‌خواهند دختران‌شان به مدارس مختلط بروند. البته هنوز اصلی‌ترین دلیل ترک تحصیل دختران، نبود مدرسه در مناطق نزدیک به خودشان است: «یکی از دهستان‌های مرکزی، ۱۵ روستا دارد که از مناطق مختلف دانش‌آموزان زیادی به آنجا تردد می‌کنند، اما همین تردها منجر به تصادفات بالا و مرگ تعداد زیادی از این دانش‌آموزان می‌شود.»

آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تعداد افراد بازمانده از تحصیل با رشدی ۲۶ درصدی از بیش از ۷۷۷ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به مرز ۹۳۰ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ رسیده است. بیش از ۵۵۶ هزار نفر از بازماندگان از تحصیل در مقطع متوسطه دوم، یعنی در رده‌ی سنی ۱۵ تا ۱۷ سال قرار دارند. بیش از ۱۹۷ هزار نفر نیز در مقطع متوسطه اول یعنی بین ۱۲ تا ۱۴ سال دارند و بیش از ۱۷۵ هزار نفر نیز در رده‌ی سنی ۶ تا ۱۱ سال مدرسه را ترک کرده‌اند.

سیستان و بلوچستان با بیشترین تعداد بازمانده از تحصیل در رتبه‌ی اول قرار دارد و استان‌های خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی در رتبه‌های بعدی جای گرفته‌اند. بنا بر آمارهای رسمی، طی پنج‌سال یعنی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ به‌طور میانگین سالانه ۲۵ هزار نفر از بازماندگان جذب مدرسه شده‌اند. وضعیت استان سیستان و بلوچستان از تمام استان‌ها نامناسب‌تر است، به طوری که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بیش از ۱۴۵ هزار نفر از جمعیت دانش‌آموزی این استان، درس و مدرسه را رها کرده‌اند. بی‌سوادی فقط محدود به کودکان نیست و بنا به آمار رسمی، حدود ۹ میلیون نفر از جمعیت ایران یعنی بیش از ۱۰ درصد از ایرانیان بی‌سوادند.

آقای «میم»، معلم یکی از مدارس ابتدایی در زرآباد سیستان و بلوچستان است و می‌گوید که دانش‌آموزان در همین مقطع ابتدایی زغال‌فروشی می‌کنند؛

این را می‌توان از نمرات پایین‌شان متوجه شد. هر کیسه ۱۰ کیلویی را ۴۰ هزار تومان می‌فروشند. روزی سه، چهار کیسه بفروشند، چندصد هزار تومان درآمد دارند. این دانش‌آموزان به جای اینکه فکرشان درس و مدرسه باشد، به فکر پول درآوردن هستند. چطور می‌توان مطالب آموزشی را به این دانش‌آموزان یاد داد؟ این دانش‌آموزان معمولاً در پایه‌های بالاتر ترک تحصیل می‌کنند و حالا هم تعدادشان بیشتر شده است. دختران به دلیل نبود مدرسه ترک تحصیل می‌کنند و پسران به دلیل وضعیت اقتصادی. هرچند دختران بسیار با استعدادند و نسبت به درس و مدرسه علاقه‌مند، اما از آن‌ها حمایت نمی‌شود؛ نه مدرسه‌ای برایشان ساخته می‌شود، نه معلم زن استخدام می‌کنند. دختران از سر ناچاری خانه‌نشین می‌شوند و سوزن‌دوزی می‌کنند. او می‌گوید که سه‌سال است برای این دانش‌آموزان دنبال مجوز مدرسه‌ای هستند که خیران ساخته‌اند اما چون تعدادشان کم است، مجوز نمی‌دهند. مسلماً در ابتدا تعدادشان کم است و به تدریج بیشتر می‌شوند. در این مناطق مدارس جداگانه وجود ندارد، همه مختلط هستند، تعداد دانش‌آموزان زیاد است و مدارس کم هستند.

سیل اخیر یکی از مدارس را در زرآباد تخریب کرد؛ مدرسه‌ای که حدود ۲۰۰ دانش‌آموز از ۱۰ روستا دارد. اگر هوا گرم نبود و آب جمع‌شده بخار نمی‌شد، مدرسه را باید تعطیل می‌کردند، هرچند دیوارهایش ترک خورده. ترک تحصیل آن‌ها از مقطع متوسطه دوم به اوج می‌رسد، اغلب هم سراغ در دسترس‌ترین شغل یعنی فروش بنزین می‌روند، از ۶ صبح تا ۱۲ ظهر زیر آفتاب می‌ایستند برای ۱۰ لیتر بنزین که می‌شود ۲۰۰ هزار تومان. به گفته او، هر سال معدل دانش‌آموزان پایین‌تر می‌رود و فشار روی خانواده‌ها بیشتر می‌شود.

خیلی وقت‌ها پدر دانش‌آموز به مدرسه می‌آید و فرزندش را برای کار در باغ می‌برد. برخی از دانش‌آموزان بنزین‌فروشی می‌کنند، یا صیادی و کارگری در باغ. میزان ترک تحصیل در دوره متوسطه دوم بیشتر از سایر پایه‌هاست. از همه این‌ها گذشته تعداد کم‌سوادها و بی‌سوادها هم در حال افزایش است و در این وضعیت هر سال سهمیه پذیرش معلم در دانشگاه فرهنگیان کمتر می‌شود.

براساس مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی، تاثیر معدل در کنکور دوتیمی ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ بالا رفت و به ۵۰ درصد رسید؛ دو کنکوری که در دی‌ماه سال گذشته و تیرماه امسال برگزار شد. براساس همین مصوبه از سال ۱۴۰۴، معدل سال یازدهم هم بر کنکور تاثیر می‌گذارد و سال بعدش هم معدل پایه دهم، دبیر و مدرسه‌ساز در ایرانشهر سیستان و بلوچستان می‌گوید که این مصوبه دامن‌زدن به ناپرابری و بی‌عدالتی آموزشی در مناطق محروم است. چراکه دانش‌آموزان این مناطق مانند سایر استان‌ها فرصت برابر آموزشی ندارند. این درحالی‌است که سه روز پیش بود که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری بر محقق‌شدن عدالت آموزشی تاکید کرد. او گفت که نیروها و نوع آموزش تفاوت دارد و این بی‌عدالتی است.

مینا کامران، کنشگر اجتماعی است که سال‌هاست در حوزه آموزش کودکان در مناطق محروم فعالیت می‌کند و از نزدیک شاهد بوده که دانش‌آموزان این مناطق چطور هر سال به عقب می‌روند، ترک تحصیل می‌کنند و کم‌سوادتر می‌شوند. او اخیراً در یکی از روستاهای مرزی سیستان و بلوچستان بوده که حتی یک‌نفر از ۴۰ دانش‌آموز آن پایه، نتوانسته بود در یکی از درس‌های نهایی نمره قبولی بگیرد. تراز کنکورشان هم بسیار پایین و روی سه و چهار هزار بود البته که دانش‌آموزان می‌گفتند، دوباره امتحان می‌دهند، اما به‌رحال این‌ها نشانه خوبی نیست:

«در استانی مانند سیستان و بلوچستان همیشه ترک تحصیل در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران بوده. آن‌ها به فکر پول درآوردن هستند و با درس خواندن، شغلی برای خودشان نمی‌بینند. آن‌ها می‌روند لب مرز و سوخت‌بری و گازوئیل‌کشی می‌کنند و می‌گویند چرا باید درس بخوانیم؟» به‌گفته او، همین مسئله در کنار افت تحصیلی شدید دانش‌آموزان، منجر به ترک تحصیل آن‌ها می‌شود.

او درباره پایین بودن معدل دانش‌آموزان مناطقی مانند سیستان و بلوچستان می‌گوید که حتی در تهران با تعداد زیادی از مدارس تیزهوشان، نمونه‌دولتی، غیرانتفاعی و... باز هم میانگین معدل ۱۱ است؛ بنابراین چه انتظاری از مناطق محروم و کم‌برخوردار می‌توان داشت. کامران معتقد است که تمام این اتفاقات نتیجه نحوه آموزش در دوران کروناست؛ در دوره‌ای که آموزش به‌صورت رسمی تعطیل نشده بود، اما به‌طور غیررسمی تعطیل بود.

او هم مانند سایر کارشناسان و دبیران آموزشی تایید می‌کند که کیفیت آموزشی از پایه ابتدایی بسیار ضعیف است:

«من جزو کسانی بودم که بسیار تلاش می‌کردم تا دانش‌آموزان در کنکور شرکت کنند. برایشان کتاب می‌فرستادم تا بتوانند درس بخوانند و شکاف آموزشی و بی‌عدالتی در دسترسی به امکانات آموزشی کم شود. اما بعداً متوجه شدیم که این دانش‌آموزان مفهوم جملات را در ادبیات فارسی نمی‌دانند، پس چطور می‌خواهند درس‌های مفهومی‌تر که نیاز به تحلیل دارند را یاد بگیرند؟ این دانش‌آموزان از پایه خواندن، نوشتن و ریاضی را به‌درستی یاد نگرفته‌اند. در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان خیلی از دانش‌آموزان دبیرستانی جدول ضرب را نمی‌دانند. خیلی از درس‌های اولیه و ابتدایی را آموزش ندیده‌اند یا حتی برخی جمع و تفریق را بلد نیستند. در یکی از مدارس، اصلاً معلم زبان انگلیسی نداشتند و از اول تا پایان سال دانش‌آموزان حتی لای کتاب زبان‌شان را باز نکرده بودند درحالی‌که همان درس در گروه درس‌های امتحان نهایی بود.»

این فعال اجتماعی تاکید می‌کند که کم‌سوادی درحال حاضر بین دانش‌آموزان وجود دارد و سطح آموزشی دانش‌آموزان و دیپلم گرفته‌های این مناطق با دانش‌آموزان شهرهای بزرگ مانند تهران اصلاً یکسان نیست؛ این هم بی‌سوادی به‌شمار می‌رود.

او می‌گوید که شاید سرعت کم‌سوادی در شهرهای بزرگ کندتر باشد، اما در مناطق مرزی و کم‌برخوردار سرعتش بیشتر است: «با این کیفیت آموزشی پایین و کم‌سوادی دانش‌آموزان، آن‌ها را برای پایه‌های بالاتر قبول می‌کنند، چون نمی‌خواهند آمار مردودی‌هایشان بالا برود و منجر به ترک تحصیل دانش‌آموزان شود. معلمان و مدیران این مناطق می‌گویند، وقتی تعداد مردودی به سه، چهار نفر می‌رسد بلافاصله از آموزش‌وپرورش با آن‌ها تماس می‌گیرند و تحت فشارشان می‌گذارند.»

او که در مناطق دیگر هم در زمینه تحصیل دانش‌آموزان فعالیت کرده، می‌گوید که در شمال خوزستان به‌خصوص در مناطق عشایری تقریباً همین شرایط حاکم است: «انجا هم از نظر کیفیت آموزشی وضعیت بهتری از سیستان و بلوچستان ندارند و از نظر کیفیت آموزشی در دوره ابتدایی، شرایط مناسبی ندارند. در این مناطق وقتی کتاب به دست دانش‌آموزان می‌دهیم، نمی‌توانند به خوبی روخوانی کنند. وقتی هم به آن‌ها گفته می‌شود جمله را معنی کنند، نمی‌توانند.»

به اعتقاد کامران، این وضعیت نه تقصیر معلم است، نه دانش‌آموز؛ مشکل از سیستم آموزشی است:

«سیستم آموزشی در هر منطقه‌ای باید براساس ویژگی‌های خاص آن منطقه باشد. یکی از معضلات آموزشی در شهرهای جنوبی، گرماسست. در سیستان و بلوچستان یا خوزستان، از فروردین‌ماه به بعد گرمای شدیدی آغاز می‌شود. در ماه رمضان اصلاً کلاسی برگزار نمی‌شود. حالا به همه این‌ها جاری‌شدن سیل در سیستان و بلوچستان را هم باید اضافه کرد. سال گذشته در این

استان دو بار سیل آمد که هربار ۱۰ تا ۱۵ روز مدرسه تعطیل شد.»

سال گذشته از افت تحصیلی تحت عنوان وضعیت قرمز معدل‌ها نام برده شد؛ دقیقاً زمانی که میانگین معدل‌ها اعلام شد. آن زمان گروهی از کارشناسان تعلیم و تربیت دور هم جمع شدند و اعلام کردند که در دوده اخیر، سواد دانش‌آموزان روند نزولی داشته و کرونا شیب آن را تندتر کرده است. همان موقع یکی از مسئولان قبلی آموزش و پرورش گفته بود، براساس اعلام بانک جهانی بیش از ۴۴ درصد دانش‌آموزان ایرانی در مقطع ابتدایی، توانایی خواندن یک متن ساده را ندارند. این موضوع هم تنها به آزمون‌های داخلی محدود نمی‌شود در دو آزمون جهانی تیمز و پلرز هم دانش‌آموزان ایرانی افت آموزشی زیادی داشته‌اند.

آقای «ق» در روستایی به نام اسلام‌آباد در خراسان جنوبی، مدیر مدرسه مقطع ابتدایی است. او نخواست نامش در گزارش بیاید چراکه نگران پیگیری‌های حراست است، اما می‌گوید که خیلی از خانواده‌ها پایین‌ترین هزینه‌ها را برای تحصیل فرزندانشان نمی‌توانند انجام دهند. او ۱۷ سال سابقه تدریس دارد و حالا می‌گوید که شاهد افت تحصیلی دانش‌آموزان است: «برخی از دانش‌آموزان به دلیل فقر اقتصادی اصلاً مدرسه نمی‌آیند. گاهی به زحمت آن‌ها را می‌آوریم و سر کلاس می‌نشانیم. مثلاً دانش‌آموز سنش به کلاس سوم دبستان می‌خورد، اما سر کلاس اول می‌نشیند. مسئله برای دختران سخت‌تر است. وقتی به متوسطه اول می‌رسند، دیگر باید ترک تحصیل کنند، چون برای درس خواندن باید به شهر دیگر بروند و خانواده هزینه سرویس مدرسه را ندارند. یا ازدواج می‌کنند یا در خانه می‌مانند.»

این معلم و مدیر مدرسه، وقتی شرایط و کیفیت آموزشی دانش‌آموزان را با گذشته مقایسه می‌کند، تاکید می‌کند که موجی از بی‌سوادی در حال ایجاد شدن است:

«روزبه‌روز بار علمی دانش‌آموزان کمتر می‌شود. در سال تحصیلی‌ای که گذشت، وضعیت معدل‌های متوسطه اول اصلاً خوب نبود. دانش‌آموزان به ما می‌گویند چرا باید درس بخوانیم؟ می‌خواهند مثلاً مانند پدرشان راننده تریلی شوند. درنهایت یک مدرک دیپلم می‌خواهند تا بتوانند گواهینامه پایه یک بگیرند و راننده شوند.»

پیروز نامی، دبیر یکی از مدارس در استان خوزستان است و ۳۶ سال سابقه تدریس دارد. او می‌گوید، با اینکه استان خوزستان نفت‌خیز است، اما از نظر آموزشی و وسایل و امکانات کمک‌آموزشی فقیر و محروم است، هوا به شدت گرم است و بعد از تعطیلات نوروز خیلی از کلاس‌های درس تشکیل نمی‌شود. مدارس، وسایل سرمایه‌ی مناسبی ندارند. نه معلم می‌تواند آموزش خوبی داشته باشد و نه دانش‌آموز به خوبی می‌تواند آموزش ببیند. حالا به همه این‌ها مشکلات اقتصادی را هم باید اضافه کرد. حقوق معلمان پایین است و همین مسئله منجر شده تا آن‌ها نتوانند تمرکز کافی برای تدریس داشته باشند. خیلی از معلمان علاقه دارند بازنشستگی پیش از موعد بگیرند تا بروند در بازار آزاد و پول بیشتری درآورند.

او هم تایید می‌کند که افت تحصیلی در این مناطق بسیار بالا رفته است:

«وضعیت اقتصادی هم دلیل اصلی آن است. دانش‌آموزان ناچارند در مخارج به خانواده کمک کنند. شاگردی و دستفروشی می‌کنند. خیلی از آن‌ها سر کلاس می‌خوانند. می‌گویند تا چهار صبح در کافه و مغازه کار کرده‌اند و وقتی دچار افت تحصیلی می‌شوند، مدرسه را رها می‌کنند. ما با افزایش ترک تحصیل مواجه‌ایم.» کلاس کامپیوتری که آقای نامی دبیرش است، در ابتدای سال تحصیلی ۳۲ دانش‌آموز دارد که حدود ۱۷-۱۸ نفرشان تا آخر سال ریزش می‌کنند. آن‌ها ب مرتب غیبت می‌کنند.

این معلم هم تایید می‌کند که دانش‌آموزان کم‌سواد شده‌اند:

«دانش‌آموز کلاس یازدهمی، چهار عمل اصلی ریاضی را نمی‌تواند انجام دهد. وضعیت زبان انگلیسی‌شان زیر صفر است و حتی از رو هم نمی‌توانند بخوانند. میزان غلط املایی‌شان بسیار بالاست و اصلاً نمی‌توانند به سوال‌ها جواب دهند. اگر دانش‌آموز اسمش را بالای برگه بنویسد، ما دو نمره به او می‌دهیم. نمره قبولی ما ۱۲ است، دانش‌آموز وقتی نمره ۱۱ می‌گیرد، شیرینی پخش می‌کند. اغلب نمرات امتحانی ۸ و ۹ است.»

او می‌گوید که وضعیت ترک تحصیل برای دختران متفاوت است؛ آن‌ها می‌دانند که اگر ترک تحصیل کنند، باید خانه‌نشین شوند یا ازدواج کنند، بنابراین بیشتر به درس علاقه نشان می‌دهند و تلاش زیادی می‌کنند. اما به‌رحال زور شرایط اقتصادی بیشتر است: «یکی از مدارس از خانواده دانش‌آموزان خواسته بود که برای یک سال تحصیلی ۶۰۰ هزار تومان پرداخت کنند، به محض اعلام این مسئله، ۱۵ خانواده پرونده فرزندانشان را گرفتند. به‌رحال ترک تحصیل، اغلب به دلیل شرایط اقتصادی اتفاق می‌افتد.»

برچسب‌ها: آموزش و پرورش [1]

فقر [2]

فرهنگ [3]